

"بسم الله الرحمن الرحيم"

﴿ رَبِّ اشْجِ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْهَمُوا قَوْلِي ﴾

ضمن عرض سلام خدمت دوستان و مبارزان عزیز و گرامیم که در آن محبت کریمه فعالیت دارند، مستمرا در خصوص علم پزشکی آغاز می‌کنم. گرچه حقیر نه در دانشگاه، رشته پزشکی خوانده‌ام و نه در دبیرستان رشته تجربی و اینجا هم که وارد این مباحث می‌شوم غرضی دیگر دارم که در همین آغاز کلام پیش‌پیش به جهت اشتباهاتی که ممکن است در کلام رخ دهد (از کمی اطلاع‌آم) از شما بزرگواران و کلمه پزشکان محترم عذرخواهی می‌نمایم.

جوش صورت چیست؟ چگونه گسترش می‌یابد؟
دانش درمان آن چیست؟

در این فصل خواننده محترم بصورت اجمال با جوش صورت آشنا شود

جوش صورت بارزترین و ظاهرترین بیماری و مشکلی است که در انسان علی‌الخصوص جوانان در دورانی که شخصیت و کرامات فکری آنها در حال شکل‌گرفتن و تثبیت شدن است روی داده و از آن مائلی است که علاوه بر مشکلات جسمانی که چندان با اهمیت نیستند، مستقیماً روی روح و روان و شیوه پذیرش فرد در بین دوستانش تأثیر می‌نهد. آن که دچار این بیماری می‌گردد، بیش از آنکه از خود آن می‌تپد ناراحت و نگران باشد، از اثری که وجود آن نقاط قضا بر چهره، می‌تواند بر روی دوستان، نزدیکان و یا آشنایانش بگذارد می‌ترسد، و خوف اینرا دارد که از بین آنها طرد شده و یا لااقل آنان در برخورد هایشان با بیمار کمی تجدید نظر نموده کمتر او را ارج نهند. با توجه به اینکه این بیماری اغلب در جوانان رخ می‌نماید پیش از پیش بر شخصیت حس و تکوین نیافته آنان اثر گذاشته، انواع افسردگی، روح و صبر را می‌تواند در پی داشته باشد. نکته بسیار مهم و پایانی این است که جوش صورت را یک عامل خارجی و اجنبی پدید نمی‌آورد بلکه تمام آن بر جنگی قریز و پراز چوک عکس العمل بدن است در مقابل تغییرات سریع، متناوبه و پرفشار کلمه سامانه (سیستم) فعال بدن، یعنی در واقع این بیماری که نه علائم است از فضل و انفعالات درونی. برای درمان آن لزوماً باید علت را شناخت و به مربوط کردن آنان پرداخت که این بخش از مطلب را در جواب سوال سوم مطرح می‌نمایم. و اما سوال بعدی؛ چگونه گسترش می‌یابد؟!

این مطلب را غالب افراد به تجربه می‌دانند و بیان آن در اینجا بیشتر جهت یادآوری است، که جوش صورت ضمن اینکه عامل اصلی آن تغییرات جسم بدن ذکر شد، ولی اگر بادیست تماس پیدا کرده و چوک آن بر روی پوست عجز نمود، گسترش یافته و در تمام نقاطی که دست ما آنها را لمس می‌نماید مجدداً بروز خواهد کرد.

این نکته را عموم مردم در اثر تجربه فراوان دریافته اند، فلذا اوئین تذکری که به این بیماران داده می شود، هرگز از دست زدن و یا مالیدن محل جوش است و گرچه بیمار در محل جوش سدی را حاصل خارش می کند ولی با اینهمه ابداً نباید به آن محل دست بزند تا از گسترش آن جلوگیری نماید.

در واقع می توان انگیزه مطلب را تصور کرد که جوش نمی تپد می خراشد گسترش یابد و برای اینکه به مقصد و غرض اصلی اش برسد که همان گسترش یافتن است سبب ایجاد خارش در بیمار می گردد تا بیمار صبرش و حوصله و تحملش تمام شده به آن نقطه دست بزند و یا مالد، دست زدن همان و گسترش سریع جوش همان جوش به مقصد اصلی اش می رسد و بیمار در مانده تر از قبل پشیمان از عملش می گردد. اینرا می گویند افعال؛ یعنی بیمار در اینجا موفقی متعلانی در مقابل جوش که یک بیماری مهاجم است اختیار کرده، به عبارت واضح تر آن عملی را انجام داده، که جوش می خواست انجام شود.

و اما سوال آخر و مهم ترین سوال و سوالی که همه بیماران در انتظار جواب آن به سر می برند؛ برای درمان این بیماری ها چگونه که عرض شد به خاطر منافع درونی داشتن آن باید یک برنامه ریزی کامل غذایی در فرد توسط پزشک متخصص صورت گیرد یعنی پزشک با توجه به شرایط بیمار و میزان گسترش بیماری، بیمار را از خوردن بعضی غذاها باز می دارد و به خوردن بعضی دیگر سفارش نماید، رعایت چنین برنامه ای تا حدود زیادی از افزایش تعداد جوشها و گسترش آنها جلوگیری می کند، البته ضمن اینکه بیمار باید سدی را از دست زدن به محل جوشها پرهیز کند که در بخش قبل ذکر گردید. مرحله دوم درمان، از بین بردن جوشهای است که تاکنون به صورت نقش بسته اند این جوشها را با داروهای ویژه ای که پزشک متخصص تجویز می کند باید برطرف نمود. و داروهای تجویزی هم دو نوع هستند، نوع اول داروهای هستند که باید با دقت خاصی (مثلاً با انبوهی خوب کمیت و یا با چربی ویژه این کار) فقط بروی جوش زده شوند و به خورد آنها با پوست اطراف جوش مفید است، البته این داروها ممکن است دردناک باشند و ناراحت کننده، ولی تأثیرشان در خشکاندن ریشه جوش بسیار خوب بوده و کار آمد می باشند. دسته دوم داروهای تجویزی آنها می هستند که در درمان جوش نقش ندارند ولی از انتقال چوک جوشها به نقاط دیگر جلوگیری می نمایند، این داروها غالباً به شکل مایه های خاصی هستند که برای معیبه بودن باید به صورت مداوم و پیوسته مصرف شوند و ترک آنها حتی برای یکروز می تواند بدی می تواند داشته باشد، چرا که جوشها دوباره شکل می گیرند.

اگر دوستان بیمار همه این تدابیر را به کار بندند یقیناً گاهی بلندی را در درمان بیماری خود برداشته اند



ولی محترم نکته و اولین گام در درمان ، یافتن دکتر و پزشک متخصص و مراجعه به اوست ، که گریز ناپذیر است
به جهت آنکه انتخاب داروی مناسب و ارائه برنامه غذایی کارآمد فقط توسط او ممکن است و لا غیر .
حتی پزشک دیگری که تخصص لازم را نداشته باشد نمیتواند فایده ای بمن رساند بلکه با تجویز داروهای اشتباه چه بسا
در گسترش جوهر نقش قابل توجهی (؟) ایفا نماید !؟

تطبیق داین مجرب خواننده محترم با هدف این نوشتار آشنای بود

این محبت به یاری خداوند تبارک و تعالی به پایان رسید و اکنون به بخش تطبیق می رسم ؛
همانگونه که خدمت دوستان عرض کردم من پزشک نیستم و در دبیرستان هم ریاضی خواندم ام نه تجربی ، پس اکنون
میرتدریس به دنبال جواب این پرسش هستید که عرض من از بیان این همه مطلب علم چه بوده است ، اگر
تخل و **ظرفیت** لازم را داشته باشید که اکتفا دارم داشته باشید ، مختصراً عرض می نمایم :
برای اشیه هدف ما دریابید بپایید چند تغییر در متن فوق بپسید ، و چند کلمه یا عبارت را با چند عبارت دیگر
جایگزین نمایید :

- به جای **جوش صورت** بنویسید **مناسبات و فحشاء**
- به جای **دست زدن و مالیدن** بنویسید **نقل کردن و تعریف کردن در محلات**
- به جای **غذای جسمی** بنویسید **غذای فرهنگی**
- به جای **پزشک متخصص** بنویسید **جامعه شناس و اسلام شناس متخصص**

و بگذرید باقی مطالب به جای خود بماند .

قاعدتاً بنده باین عمل جایگزینی را خرم انجام دهم و متن تصحیح شده را برای شما ارسال نمایم
ولی با توجه به کمبود وقت دانستم می دانم از حوصله شما خارج است که یکبار دیگر این متن را بیادرم
فقط بعضی نکات مهم را توضیح می دهم و عاجزانه تقاضا دارم از کنار این مطلب سرریز نگذریه ، روی این
متن کار شده است ، تحقیق شده است ، خط به خط مطلب دارد که فقط اگر با دقت تطبیق کنید به آنرا
پی خواهید برد ، نمی خواهم بگویم که من کار خاصی نموده ام ، نه ، ولی خواص می کنم حدیثی از عزرائل بنفینند

روی این مطلب کار کنند این مثال ضعیف کامل است، بیش از حد قصور، حتی مطالبی را که من ممکن است در مورد جوش صورت فرصت نکرده باشم بیادرم و یا اصولاً به عقلم نرسیده است، شما عزیزان مطرح کرده و با محبت و مهربانی فرهنگ تطبیق نمایند یقیناً با توکل به خداوند کریم به مطالب جدیدتر و کار آندتری هم می‌رسید. فرصت کم است و حقیر هم در فضل امتحانم به سر می‌برم و نمی‌توانم بیش از این وقتم را تقدیم نمایم، لذا بسیار به اختصار بعضی موارد را که مهم تشخیص می‌دهم خودم تطبیق می‌کنم تا شما با روشن کار آشنا شوید:

فصاد و فحشاء، بارزترین بیماری و مشکلی است که در جوامع، علی‌الخصوص آنهایی که تازه شکل گرفته‌اند و هنوز در قدمهای اول تثبیت مبانی فرهنگی خود می‌باشند روی داده و از آن مسائلی است که علاوه بر تغییر ظاهری جامعه و ظاهری فرهنگ مستقیماً روی تک تک افراد جامعه اثر گذاشته، آنها را نسبت به تحولات درونی جامعه و عزل و نصب‌ها (یا انتخاب‌ها) بدبین می‌نماید، روحیه جامعه را خراب می‌کند و مردم را به این تصور می‌اندازد که تمام جریان فرهنگ‌سازی در جامعه که با انقلاب در حال شکل‌گیری بود، استیلا می‌دهد و تمام شد رفت می‌کارش؟!، و جامعه را دچار افسردگی می‌نماید و عمده این افسردگی در تک تک افراد جامعه مشاهده می‌گردد. (البته در این موضوع مسائل اقتصادی هم نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند که خارج از بحث ماست وای کاش فرصتی بود و محبت مغفیل و گسترده‌ان در اثرات اقتصاد بر افراد جامعه انجام می‌دادیم) تا آنجا که بعضی دوستان ناآگاه برای اطفاء و برطرف کردن این افسردگی منوط، مشغول مزه‌پزایی به یکدیگر می‌شوند. همانگونه که غالباً ما وقتی به یک بیمار می‌رسیم برای اینکه او را از ناراحتی در آوریم با او شوخ و مزاح می‌کنیم و البته بیمار به ظاهری خند و لعل در درونش آشفته دردی را حس می‌کند که خنده اش از حد باز کردن دلبخان خارج نمی‌شود و هیچ تأثیری در روحیات او نمی‌نهد. آیا نمی‌بینید در جامعه ما چگونه و با چه سرعت مراسم آذری محبت فکاهی و خنده را (؟!) مثل تاراج از هر سو رویدند و حتی در محبت جدی ما که من صدراً اگرچه دارم از نام بردن (حتیاً معذوم؟!) مجتهد وسیعی به طرأ اختصاص یافته است. این علامت افسردگی در جامعه است افسردگی ای که اگر زود درمان نشود به بیماری دیوانگی و جنون منجر می‌شود. آیا نمی‌بینید در بیمارستانها که غالب دیوانه‌ها (نخستین از اینکه این لفظ را به کار می‌برم؟!) ابتدای کارشان افسردگی بوده است، آیا نمی‌بینید؟!

آیا منی بسیند محبت و روزنامه های ما صبح و عصر ، همه و همه ، دائماً به یکدیگر می خاش می کنند
بودید از روانشناسان بدان برسید که آیا می خاش نشانه افسردگی روحی نیست؟! و یقیناً می گویند که هست!

== با بعضی معذرت از الهامه کلام و از اینکه قلم از دستم خارج شد و رفت آنچه که نباید می رفت. این به خاطر دردی
است که حقیر خدوم احساس می کنم و این از فراق افسردگی باشد (!!؟) پس سخن را کوتاه می نمایم ==
خواهش می کنم در جواب پرسش دهم بیشتر وقت کنید ، من بطعم شخص شما هستید و آنانی که هر دو عقیده
و نظر شما می باشند (آن محبتی که همانند شما عمل می نمایند) ؛ چرا جوهر را می مالید ، چرا انقدر این جزوه
فاد را دستمال می کنید ، چرا این حرکت را پیش می کنید ؟ با برادران ، عزیزان ، رفقا ، من از نظرش
فرزند کوچک شما به حساب می آیم ، مبادا تانخ کنید قصد تو حین یا اهانجی در کار است ، ابداً! اصلاً
به همین خاطر که مبادا مقصوری در ذهن شما از این حقیر که به جز عبد خدا بودن افتخار دیگری ندارد که بیان نماید
(و با سببه خدا بودن نیازی به افتخار دیگری هم نیست که خود مبدأ افتخار است ؟!) بصورت نامناسب بوجود آید
نام خدوم را هم ذکر نکردم و قصد نداشتم که ذکر نمایم . عزیزان ، به آن جوان سببه خدا می که در غلظت دهکده
در شهر که شما اعتراف می کنید به عمران نشنیده اید در استان سیستان و بلوچستان یا ایلام یا کرمان یا خوزستان
مکان دیگر ، چه ربطی دارد که در مهرک غرب (یا قدس) تهران چه می گذرد و شهرها با چه رنگ کلاه و دخترها با
چه رنگ مو از خانه خارج می شوند و یا مواد مخدر مورد استفاده آنان از چه نوع است و ...
خواهش می کنم منصفانه و بی طرفانه فکر کنید ، من اینجا می گویم دستمال کردن فاد ، پیش کردن آن ،
شما حواه ناخواه در اعفاد خوبان کشور نقش خطیری یافته اید که عوام شاه در کل عمرش اگر دست و پا
می زد نمی توانست چنین نقشی را در خلیفه ای که هر روز در ساعت بازی می کند ، بازی کند ، که شما کرده اید ؟!
بله ، من هم قبول دارم که ایده فاد تا حین دهکده هم توسط خلیفه و پدرش و حواره و مشبهه ها تقویت یونی
بدون مرزی (و متأسفانه در عین مرزی ؟) رفته است ، و هر هیچ کس در آن شهرها فکر نمی کند که در ایران هم این چنین
حرکاتی باشد . خود اینکه در ایران ، در تهران ، در مهرک غرب و اکباتان عده ای این جریان را راه انداخته اند ،
خود دانستن این مطلب آنانی که در اینک به فاد روی آورده ، به مصرف گراشتن روی بیادرنه ، به کلاه
مصرفی مثل انواع کفش ها و تیشرت ها و شلوارها و جین دلی و کلاه و رنگ صوفا و چه و چه ؟! که شما با آب و تاب

در محله کریمه آنان وصف نموده اید روی بیاورند ، رانج تر و پادشاهی نماید . یک مطلبی را هم گریه
 منی خواستم بگویم ولی اجمالا چون احساس می‌کنم که ممکن است مقتوی داشته یک فرد بی اطلاع در این موارد
 حتم پیدا نمایند ، بیان می‌نمایم ، حقیقت سال در شهرک اکباتان قاطی چنین به قول شما رپی ها و به قول من
 فرزندان یتیم انقلاب که پدری نداشته اند (منظوم از پدر هداایتگر است ، چه در خانه ، چه در مدرسه و چه در مسجد !)
 تاراه صبح زندگی کردن را به آنها بیاموزد ، زندگی کرده ام ، چهار سال دبیرستان را در مدرسه اسیر کردم که
 همایش ها نگویند که نمی توصیف می‌کنید لباس می پوشیدند و حرف می‌زدند و باد خزان مردم ... (بگذریم !)
 پس اگر نگویم بیشتر از شما ، حدائق به اندازه شما آنها را می‌شناسم (و این گزاره نیست !) .

دوستان من ، بهادران من ، سرداران من ، درد ما چیز دیگری است ، درد ما این است که در این کشور بهادر
 کسی به جواب سوال توأم فکر نمی‌کند ، و آن یکی ، دوقری هم که فکر می‌کند یا حدائق به جایی نمی‌رسد و یا
 تحقیقی در این مآله ندارند ، یعنی پزشک تحقیق نمی‌کند تا بتواند دود را درمان کند . خواهر من گفتم شما هم
 به جواب سوال توأم فکر کنید ، من اجمالا آنرا در سه بخش بیان نموده ام : ① مبنای فرهنگی برای کل جامعه
 (این همان مبنای غذایی است !) ② سلسله اقداماتی که باید در اماکن میضاد مثل شهرک غرب (یا قفس) و شهرک اکباتان
 و آبادان و ... و پارک چیتگر صورت گیرد و البته این دارو فقط باید بر روی جوش زده شود چون ممکن است کرم در دناک (!)
 باشد . ③ اموری که باید در سطح جامعه انجام گیرد ، بصورت عمومی ، به طور مثال اعزام گروه ها فرهنگی
 اعزام متفحصین درمان جوش صورت (!) و یا اعزام در گسترش امر ازدواج و بیماری اعمال دیگر .
 همانگونه که روشن است داروی اول گفتاری است و دوداروی دیگر جنبه عملی دارد . پس شما عزیزان فقط در
 داروی اول حتی دایره تقریف کنید و توسط جمع آوری متخصصان و کارشناسان در محله کریمه آنان به درمان جامعه
 بپردازید ، و البته توسط همان کارشناسان در مورد دو داروی دیگر هم می‌توانید تحقیقات آزمایشگاهی (!)
 انجام دهید و لیس به نزد آنها را در محله آنان شناسید بلکه به صورت حضوری به اطلاع رئیس جهاد و محسوب ملت
 برسایند ، چرا که آن دو داور دیگر در اختیار ایشان و عوامل ایشان مثل وزارت ارشاد و وزارت کشور
 است . من عاجزانه تقاضا می‌کنم ، به عنوان یک عضو این جامعه اسلامی و شما را به همان مقصد و آئین و عقاید
 که همه شما قبول داریم و خود را ملتزم به آن می‌دانیم قسم می‌دهم که برودر جواب سوال توأم بیشتر کار نمائید .

السلامة من قصدنا ان نقتدر ان نعلم اسماء اولادهم ، بلکہ می خواستیم در همین عرضیه چهار سوال دیگر هم مطرح کرده
روی آنها بحث کنیم ، که گویا فرصت نیست ، سوالات را می نویسم و جوابها را به فرصتی دیگر واگذار می کنم
(اگر عمر باقی بود ایم) :

واکسن چیست؟ چه زمانی به کار می رود؟

سرم چیست؟ کاربردش در کجاست؟

السلامة باز هم سوال دادم که در سوابق و زحان فعلی طرح آنها به معطلت نیست ، باشد در وقت خودشان ؟
متأسفم که نتوانستم این چهار سوال را به بحث بگذارم ، فقط در خانه عرض می کنم و می دانم که یقیناً شما هم باینده
مواظق می باشید که این نامه تا حدودی خصوصی است و صحیح نیست که خدا را فاش کرده در مجله چاپ شود.
رضی عرض تشکر شما را به خداوند طلبد مرتبه سیزده توفیقات روز افزون شما را در رسیدن به جواب سوال تو
از آن قادر متعال بی همتا خواستارم (عمر المخصوص اینکه ششده ام می بود چه؟ مخصوصی برای مبارزه با تبهجم فرحنگ
در یافت می کنید ، سپید تقریباً ، که نه ، بلکه تماماً وظیفه آنان مبارزه با تبهجم فرحنگی است ، امیدوارم موفق باشید !)

در پایان این نامه هفت مغفرت با توجه به اینکه نامم را ذکر نمی کنم ، به نظرم آمد بر این جلوگیری
از نقصات خطایی که ممکن است در ذهن مخاطبانم پدید آید مطالبی را عرض نمایم ؛ منبده اکنون ۱۸ سال سن دارم
که ۵ سال در شهرک آبگدان ساکن بوده ام . سران دبیرستان را و دوره پیش دانشگاهی را در همانجا طی نموده ،
اکنون حدود ۹ ماه است در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل علوم دینی می باشم ، و این مطالب همگی عقیده شخص
خودم بوده و تا این لحظه که در خان نگارش می باشم آنها را با هیچ فردی در میان نگذاشته ام .
از اینکه زیاده عرض نموده ام عذر خواسته ، سیدم ! ملتس دعا می باشم .

و من الله التوفیق
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
۱۷ صفر ۱۴۱۶ هجری قمری
سید مهدی - م
۲۲



بخش:

عنوان:

نویسنده:

تاریخ:

صفحه:

جمع صفحات:

آفرینش سده

سده

نامه شماره دهم رسیده. از اینک ریدم جوان ۱۸ ساله بی
این عمق را در نگاه خود ایجاد کرده است، سرور سدهم.

صفا می دانید جوش های هم وجود دارند که تا باز شدن
کتن و حرکت و عفونت را از آنها خارج نازی، درمان
نخواهند شد. پس برخی از جوشها را باید ترکاند.

موفق باشید

حسن الله راد

سردیس
مارخ راد

تهران

حسین آقای غزیر

علکم السلام

انتظار پاسخ نداشتم، ولی خوشحالم گردیدم. برادر جان، غزیر، خوشک
 وقتی می خواهد جوش را بترکاند، ابتدا اطراف را ضد عفونی می کند (با
 افکار و عقاید مسلم) و بعد با دقت طوری که حرکت اصداً با پوست اطراف
 تماس نیابد آنها خارج می کند، عرض کردم که دقت کنید، این همان راه دوم
 بود که ارائه گردید. [اگر قبول ندارید از دوستان پزشکان پرسید]
 آیا در این راه که وقتی می خواهند غده سرطانی را عمل کنند، ضد دقت می نمایند
 جنس از آن به گوشت و بافتن اطراف سرایت نکند؟

نکته: مقصد از قطع مصلحت اوقات است
 کتب بار هم از سر وظیفه را به منبر انداخت
 و حوصله بکار از تنم به طریقی سر آورد
 در این بار هم طبعی و از روی فراموشی نیست
 ۱۲ ربيع الاول ۱۳۹۱

همان جوان ۱۸ ساله می باشد

سید مهدی - م

۱۶ ۷۷